Archive of SID

فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال چهارم – شماره چهارم – زمستان ۱۳۹۰- شمارهٔ پیاپی ۱۴

تحلیل سبک شناسانهٔ پنجاه غزل خواجوی کرمانی

(ص ۲۲۲ - ۲۰۹)

شیرزاد طایفی(نویسنده مسئول)[۱]، لیلا کمالخانی[۲]

تاریخ دریافت مقاله :۹۰/۵/۱۷
تاریخ پذیرش مقاله : ۹۰/۸/۲۵

چکیده:

بررسی سبکی هر اثر ادبی، یکی از ابزارهای مهم در تعیین شاخصه‌های زبانی، ادبی و فکری آن اثر است، که با داده‌های دقیق آماری جایگاه و اهمیت نوشته را بیش از پیش روشنتر میکند. در واقع، تبیین سبک نوشتاری بر اساس داده‌های آماری، نشاندهندهٔ زیرساخت و روساخت هنر صاحب سبک و اثبات کنندهٔ ویژگیهای برجستهٔ نوشته است.

در این نوشته با نگاهی سبک شناسانه به پنجاه غزل از خواجوی کرمانی، غزلهای انتخابی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار گرفته است. در هر سطح، توضیح و تحلیلی همراه با شواهدی از غزلها آمده، آنگاه به برجستگیها و نوآوریهای سبک خواجو در هر سطح اشاره گردیده و نتیجهٔ بدست آمده بیان شده است. در سطح ادبی، کلمات مسجع و آهنگین بسامد بالایی دارد و یکی از بارزترین خصیصه‌ها است. در محور زبانی، بیشتر فعلها در زمان حال بکار برده شده و در سطح فکری، مفاهیم و معانی عاشقانه بر بیشتر غزلها حکمفرماست.

آمارهای ارائه شده و تحلیلهای مبتنی بر آن، یکی از پایه‌ای‌ترین بخشهای پژوهش حاضر و نتایج حاصل از آن، بهترین الگو و زمینه برای آشنایی با ساختار و محتوای غزلهای مورد بحث است.

کلمات کلیدی:

خواجوی کرمانی، غزل، سبک، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری.

www.SID.ir

۱ - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامهٔ طباطبایی sh_tayefi@yahoo.com

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی k_khani009@yahoo.com

Archive of SID

مقدمه:

خواجوی کرمانی و دیوان او

ابوالعطا، کمال الدین محمود، معروف به خواجوی کرمانی، (۷۵۳-۶۸۹ هـ ق) از شاعران بزرگ قرن هشتم است.

دیوان اشعار او مشتمل بر پانزده هزار و هفتاد و شش بیت است. دو دیوان او:

۱ـ صنایع الکمال، شامل ۱۰۷۲۶ بیت است که غزلیات این دیوان به دو دسته حضریات و سفریات تقسیم میشود و ۲- بدایع الجمال شامل ۴۳۴۰ بیت که غزلهای این دیوان به شوقیات معروف است (مقدمه دیوان اشعار خواجوی کرمانی، سهیلی خوانساری: ص ۷۳).

خواجو معلومات اولیه را در وطن خود آموخت و سپس به مسافرت پرداخت و به شهرهای گوناگون رفت و با اهل ذوق و دانش معاشرت کرد. (تاریخ ادبیات ایران، رضازادهٔ شفق: ص ۴۷۹). به او نسبت مرشدی داده اند که این به دلیل انتساب او به فرقه مرشدیه، یعنی پیروان شیخ مرشد ابواسحق کازرونی است(تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج۳ ،ص ۸۸۶)

نیازی به توضیح نیست که غزلهای سعدی کمال غزل عاشقانه و غزلهای مولوی، کمال غزل عارفانه است. غزلهای حافظ نیز تلفیقی از این دو است؛ اما باید افزود که حافظ مبتکر این طرح نبوده است، بلکه شاعری دیگر چندی پیشتر از او به این مهم دست یازیده و او کسی جز خواجوی کرمانی نبوده است (انواع ادبی، عبادیان: ۲۱۰).

در این مقاله پنجاه غزل از دو دیوان صنایع الکمال و بدایع الجمال انتخاب شده و معیار انتخاب غزلها نیز، وزنهای متنوع و موسیقایی بودن آنها بوده است. این غزلها در سطوح مختلف زبانی، ادبی و فکری بررسی شده، نتایج آن بصورت تحلیلی بیان گردیده است.

دربارهٔ خواجو و شعر او تحقیقات مختلفی انجام شده است. از جمله مجموعه مقالات «کنگره جهانی بزرگداشت خواجوی کرمانی» که یکی از منابع اصلی این پژوهش بوده است. اما تحقیق جامعی دربارهٔ تحلیل سبکی اشعار خواجو که همه موارد را در برداشته باشد، صورت نگرفته است.چنین ضرورتی باعث شکل گیری مقالهٔ حاضر شد تا بر اساس یافته‌های نوین سبکی، بخشی از شعرهای خواجو و به تبع آن اندیشهٔ او مورد بررسی قرار گیرد.

۱. سطح زبانی

«زبان خواجو به مردم نزدیک است و این مسأله نشان میدهد که با توده مردم الفت داشته و با آنها می‌زیسته است. . . » (عابدی، به نقل از خبرگزاری ایبنا)

در این قسمت اسمها و افعال موجود در غزلیات بررسی شده اند:

www.SID.ir

Archive of SID

۱-۱. اسم

از دو منظر «جامد و مشتق» و «معنی و ذات» بودن، بررسی شده است. البته این بررسی بر طبق کتاب **دستور زبان فارسی** احمدی گیوی و انوری، انجام شده است (دستور زبان فارسی، احمدی گیوی و انوری: ص ۷۹).

حدود ۵۲٪ اسمها ذات، ۴۸٪ معنی، ۶۲٪ جامد و ۳۸٪ مشتق هستند.

رویکرد شاعر به اسمهای ذات، بیشتر نشانهٔ برونگرا بودن شاعر است. دربارهٔ خواجو تعداد اسمهای معنی نیز قابل ملاحظه میباشد و این نشان میدهد که شاعر در عین توجه به مظاهر طبیعت، توجه خاصی نیز به درونیات و معانی داشته است، و چنین تلفیقی یکی از شاخصه‌های سبکی اوست.

درصد بالایی از اسامی جامد هستند و فاقد بن فعل.

واژه‌های عربی و پهلوی اگرچه کم نیست، اما واژه‌های مأنوس و پرکاربردند که این البته از ویژگیهای شعر سبک عراقی نیز است. گاه در بعضی غزلها، از واژه‌های عربی که کاربرد چندانی ندارند، استفاده شده است.

۱-۲. فعل

افعال از نظر ساخت، زمان، شخص و شمار، «لازم و متعدی» و «معلوم و مجهول» بررسی شده اند.

افعال مضارع حدود دو برابر افعال ماضی است که نشان دهندهٔ تأکید شاعر بر زندگی در زمان حال و غنیمت شمردن فرصتها و حسرت نخوردن او بر گذشته میباشد.

افعال امر و نهی به ترتیب حدود ۱۱٪ و ۴٪ افعال را تشکیل میدهند. بنابر شواهد، خواجو زیاد اهل امر و نهی نبوده است و اکثر افعال امر و نهی در معنی استرحام، تشویق و ترغیب، تمنا و آرزو بکار رفته‌اند.

حدود ۶۹٪ افعال، ساده و ۲۴٪ آن، مرکب و مرکب پیشوندی هستند. رویکرد شاعر به افعال ساده با بسامد بالا، نشانگر توجه ویژهٔ او به طیف مختلف و گستردهٔ مخاطبان است.

۱-۳. جمله:

۱-۳-۱. جملات بدون فعل:

ـ حذف فعل در سه بیت به قرینهٔ لفظی و چهارده بیت به قرینهٔ معنوی صورت گرفته است، در بیت زیر فعلهای مصراع دوم، به قرینه معنوی حذف شده‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

۱-۳-۲. سطح نحوی جملات

در میان ۴۹۰ بیت انتخابی، در ۱۰۷ بیت بطور کامل و ۸۴ مصراع منطق نثری بر جمله‌ها حاکم بوده و ترتیب اجزای جمله رعایت شده است؛ یعنی در حدود ۳۰٪ ابیات میتوان براحتی بیت را خواند و فهمید و همین موضوع است که زبان خواجو را به زبان مردم عادی نزدیک کرده است.

تنها در پنج مورد ابیات موقوف المعانی دیده میشود و در سایر بیتها، مفهوم جملات در یک بیت و یا یک مصراع تمام میشود.

مقدم داشتن فعل:

در شصت و دو بیت (حدود سیزده درصد ابیات)، فعل بر سایر اجزای جمله (بیت) مقدم شده است، که از این تعداد پانزده مورد فعل امر و ده مورد فعل نهی هستند. این مورد از مشخصات نحوی سبک کهن بوده، در برخی موارد کلام را قاطع و مؤکد میکند.

۱-۴. سطح آوایی

شمیسا سطح آوایی را سطح موسیقیایی متن نیز مینامد و آن را به سه سطح موسیقی بیرونی، کناری و درونی تقسیم بندی مینماید (کلیات سبک شناسی، شمیسا: ص ۲۱۶).

۱-۴-۱. موسیقی بیرونی (وزن)

غزلها در هشت وزن متنوع هستند. از پنجاه مورد تنها سه مورد وزن سالم دارند. همانگونه که میدانیم، سالم بودن وزن خود زمینهٔ آهنگینی را در غزل ایجاد میکند (نخلبند شعرا،اکبری: ص ۷۵).

وزن هشت غزل، از تکرار «فعلاتن» به وجود آمده که وزنی سنگین و ناشاد است. وزن سه غزل نیز از تکرار فاعلاتن بوجود آمده که آن نیز وزنی سنگین و غمناک میباشد. وزن دو غزل از بحر سریع (مفتعلن) است که وزنی تند و شاد میباشد .

در بررسی اشعار خواجو این نتیجه حاصل شد که بیشتر غزلها با وجود هجاهای بلند، وزن سنگینی دارند که این امر حاکی از سوز و گداز عاشقانه و غم هجران است.

۱-۴-۲. موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

قافیه

در ۵۰ غزل انتخاب شده، ۲۸ مورد تکرار قافیه وجود دارد که از این تعداد، چهار مورد قافیهٔ مصراع اول مطلع، در مصراع دوم بیت دوم تکرار شده است، که این امر از قدما

www.SID.ir

Archive of SID

پسندیده بوده و آن را جزو صنایع بدیعی محسوب میداشته و به آن «رد القافیه» میگفته اند (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا: ص ۱۱۰).

ـ اقوا: قافیه کردن شُست و شَست

ـ ایطای خفی: شیرین، مشکین، سیمین

- ردیف:

بنا به گفتهٔ شفیعی کدکنی، ردیف از نعمتهای بزرگ شعر فارسی است، در صورتی که بلای جان معانی و احساسات شاعر نباشد و در حقیقت برای تکمیل قافیه به کار میرود (موسیقی شعر، شفیعی کدکنی: ص ۱۳۸). همانطور که میدانیم، آوردن ردیف در غزل، از ویژگیهای شعر و ادب عصر مغول است (سبک شناسی شعر پارسی؛ از رودکی تا شاملو، غلامرضایی: ص ۱۶). سادگی کلمات انتخاب شده به عنوان ردیف از سوی شاعر، نشانهٔ مخاطب محور بودن شعر اوست.

۱-۴-۳- موسیقی درونی (صنایع بدیع لفظی)

موسیقی درونی متن به وسیلهٔ صنایع بدیع لفظی از قبیل انواع سجع، جناس و تکرار بوجود می‌آید که این قسمت در سطح ادبی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۴-۴- مختصات آوایی سبک قدیم:

موارد زیر از عمده استفاده لغت به سبک قدیمی میباشد:

۱- تخفیف لغات: مه، شه، گر و ...، ۲. تشدید مخفّف مانند: پشه، شکر، امید که در شعر به صورت مشدد تلفظ میشوند. ۳. اسکان ضمیر: پاش (پایش)، دوات (دوایت) و ... ۴. حذف مصوت کوتاه: گلْستان، بوقلْمون و ... ۵. حذف حرفی از کلمه: سپند، فزون و ... ۶. تخفیف مشدد: خاصه و خواص بدون تشدید ۷. تلفظ قدیمی: نبشت ۸. افزودن حرفی به کلمه: شناه، تاه به تلفظ قدیم ۹. تغییر در تلفظ عربی شان (شأن) ۱۰- الف اطلاق: گوییا، گفتا ۱۱. تلفظ اعداد: چهار که به صورت چار تلفظ میشود. ۱۲. اماله: دنیی و عقبی.

۲. سطح ادبی

۲-۱. بیان

مجاز، تشبیه، استعاره و کنایه از موارد مطرح در این قسمت هستند. از آنجا که «علم بیان، دستور زبان ادبیات است» (بیان و معانی، شمیسا: ص ۱۷)، بنابراین در بررسی غزلی از شاعر حتی در ابتدائیترین مرحله، بر بیان تأکید خاصی میشود.

www.SID.ir

Archive of SID

۲-۱-۱. مجاز

مجاز لغوی آن است که در زبان ادبی واژه ای در معنی اصلی خود به کـار نـرود (همـان: ص ۲۲). در اشعار خواجو بیشترین نوع مجاز، مجاز به علاقهٔ عموم و خصوص (حـدود ۴۶٪) است، که گویای دید فرانگر و در زمانی بودن شعر اوست.

ور گـذری باشـدش بـه منـزل لیلـی قصهٔ مجنون دلفگـار بگویـد(۶۶۹، ۵/۸۷)

لیلی و مجنون مجاز از معشوق و عاشق است.

۲-۱-۲. تشبیه

«مانند کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر این که آن مانندگی مبتنی بر کذب یـا حداقل دروغ نما باشد، یعنـی بـا اغـراق همـراه باشـد. » (بیـان و معـانی، شمیسـا: ص ۳۳) بیشترین آرایه ادبی را در این بخش تشبیه به خود اختصاص داده است.

تشبیه مجمل (۷۴٪) و موکد (۷۸٪) بیشترین تکرار را دارند. گـاهی ذکـر نکـردن وجـه شبه، ارزش هنری دارد؛ چون ذهن خواننده را به جستجو و کشـف وجـه شـباهت مشـبه و مشبه به وامیدارد، تا خواننده خود به این شباهت دست یافته، به اقنـاع برسـد؛ اقنـاعی کـه نوعی لذت به همراه دارد (فصلنامهٔ تخصصی سبک شناسی نظم و نثـر فارسـی (بهـار ادب)، روحانی و مهدی نیا: ص ۲۳۰).

خواجو در پاره‌ای از ابیات، تشبیه را بطور مستقیم ذکـر نکـرده و از آن بصـورت مضـمر استفاده کرده است. نتایج این پژوهش نشان میدهد که خواجو در این قسـمت، از زیبـاترین تشبیهات خود بهره برده، که هم نشانهٔ جنبهٔ زیباشناسی کار او و هم بیـانگر هنـر برجسـتهٔ شاعری او در رویکرد به تشبیه‌های هنری است.

مثل:

آیدم زلف تـو در خـواب و پریشـانم ازیـن که بود شور و بلا دیدن ثعبان در خواب(۳۷۶، ۶/۱۱)

که زلف را از لحاظ درازا و پهنا به ثعبان تشبیه کرده است.

همچنین در تشبیهات مضمری که با آرایهٔ *لف و نشر* آمیخته شده، کشـف وجـه شـبه، زیبایی بیت را دو چندان میکند:

گر زانکه روی و موی‌تو آشوب عالمست ماراشبی‌مبارک‌و روزی‌خجسته‌است(۴۰۱، ۳/۶۳)

با لف و نشر مشوش، روی معشوق را از نظـر زیبـایی و روشـنایی بـه روز و مـوی او را از لحاظ تیرگی و شاید خوشبویی به شب تشبیه میکند.

www.SID.ir

Archive of SID

البته تشبیهاتی معمولی چون لب به لعل و یا سرو به قد نیز که به صورت اضافه تشبیهی آمده‌اند، در غزلیات خواجو یافت میشوند؛ اما این امر از تازگی و طراوت بسیاری از تشبیهات او نمیکاهد؛ چرا که یکی از برجستگیهای هنری او کاربرد همین تشبیهات ساده در بافت و ساخت کلام فاخر و ادبی است

با این که بیشتر تشبیهات، از نوع مفرد به مفرد هستند، اما آوردن تشبیهاتی از نوع مفرد به مرکب و مفرد به مقید نیز کم نیستند که همین امر، معرفی کنندهٔ شاعری با ذهنی توانمند به ماست.

تشبیه به اعتبار طرفین آن: تشبیه حسی به حسی بالاترین آمار (۶۷٪) را به خود اختصاص داده است. در این نوع تشبیه هم مشبه و هم مشبه به، حسی و قابل درکند. وجه شبه در این گونه موارد، برای خواننده روشن است و ذهن او را چندان درگیر ارتباط بین طرفین تشبیه نمیکند. البته میتوان دلیل انتخاب این گونه تشبیه‌ها را مخاطب پسند بودن آن و نشانه‌ای بر روانی غزل دانست (فصلنامهٔ تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، روحانی و مهدی نیا: صص ۲۲۸-۲۲۹).

۲-۱-۳. استعاره

«شاعر در استعاره، واژه ای را به علاقهٔ مشابهت به جای واژه دیگری به کار میبرد. » (بیان و معانی، شمیسا: ص ۵۷) .

استعاره‌ها بیشتر از نوع مجرده (۶۶٪) هستند. استعاره‌هایی از نوع مکنیه نیز که به آرایه *تشخیص* می‌انجامد، دیده میشوند که به لطف کلام می‌افزایند، و حس حرکت و پویایی به شعر میدهند و جنبه‌های ملموس دید شاعر را به مخاطب میرسانند.

گفتم که چشم مست تو خونم بریخت گفت　　یک لحظه تن بزن که بخسبد که خسته است(۸/۴۰۱،۶۳)

۲-۱-۴. کنایه

«ترکیب یا جمله‌ای است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد؛ اما قرینه صارفه‌ای هم که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند، وجود نداشته باشد. » (بیان و معانی، شمیسا: ص ۹۳)

خواجو در اشعارش کنایه‌های زیادی از فعل یا مصدر (۷۷٪) آورده است، که اکثر کنایه‌ها عادی و به صورت ایماء (۹۰٪) و فهم آن آسان است، و این هم گویای رویکرد شاعر به بافت سادهٔ کلام در اطلاع رسانی و آگاهی بخشی است. جالب اینکه همین امر، یکی از دلایل ماندگاری شعر و غزل خواجو نیز محسوب میشود.

www.SID.ir

Archive of SID

سـرو ار ز لـب چشـمه برآیـد چـو درآیـد بر چشم کنم جـای سـهی سـرو روانـش
(۵/۲۲۹ ،۲۸۴-۲۸۵)

بر چشم جای کردن کسی، کنایه از بسیار عزیز دانستن اوست.

۲-۲. معانی

«در علم معانی از جملاتی که بدون قرینه لفظی در معنای خود به کـار نمیرونـد، بحـث میشود و به این لحاظ به این علم، علم معانی میگویند؛ زیرا از معانی ثـانوی جمـلات بحـث میکند. » (بیان و معانی، شمیسا: ص ۱۱۱)

۲-۲-۱. جملات خبری

در غزلهای مورد بحث، تنها سیزده جملهٔ خبری با معانی ثانویه یافت شد؛از جمله:

وقت صبوح شد بیار آن خـور مـه نقـاب را از قدح دو آتشی خیـز و روان کـن آب را
(۱/۱۱ ،۱۸۱)

که میتوان معنی *بشارت و اظهار انبساط* را از آن استنباط کرد. البته عدم رویکـرد زیـاد شاعر به معانی ثانوی جملات، بیشتر و بیشتر در جهت مقتضای حال مخاطب است

۲-۲-۲. جملات پرسشی

جملات پرسشی بیشتر در معنی *اظهار بیتابی* است (حدود ۲۴٪)، که نمایانگر روحیهٔ پر از شور و شیدایی شاعر و در جهت بافت معنایی غزل است. در غزلی با مطلع:

مـرا ز هجـر تـو امّیـد زنـدگانی کـو در آرزوی تـوام لـذّت جـوانی کـو
(۱/۳۰۳ ،۳۲۰-۳۲۱)

که شامل سیزده بیت است، همهٔ بیتها از این نوع پرسش هستند.

استفهام تقریری (حدود ۱۹٪) و انکاری (حدود ۱۵٪) نیز آمار زیادی دارند.

۲-۲-۳. جملات امری

حدود ۵۸٪ جملات امری در معنای *ارشاد و ترغیب* به کار رفته است:

مستی ز چشم دلکش میگون یار جـوی وز جـام بـاده کـام دل بیقـرار جـوی
(۱/۲۷۲ ،۷۶۳-۷۶۴)

۲-۲-۴. جملات نهی

حدود ۶۴٪ جملات نهی نیز در معنای *ارشاد و ترغیب* به کار رفته است:

برون ز جام دمادم مجوی ایـن دم هـیچ بجز صراحی و مطرب مخواه همـدم هـیچ
(۱/۷۲ ،۴۰۶)

www.SID.ir

Archive of SID

۲-۲-۵ عیوب فصاحت

در دو بیت زیر، خواننده برای فهم کلام، اندکی دچار تردید میشود.

ـ ضعف تألیف:

ز آستانم ز چه بیرون فکنی چون خواجو　　خاک راهم ز سرم بگذر و بگذار مرا
(۹/۲ ،۳۷۳-۳۷۲)

ـ تعقید معنوی:

در عزای شاه ماتم ای پریرخ رخ مپوش　　کانکه‌رخ بر رخ نهی او را چه غم باشد ز مات
(۴/۳۴ ،۱۹۲)

بدلیل آوردن اصطلاحات شطرنج و ایجاد تناسب بین شاه، رخ و مات از سویی و کلمهٔ ماتم و غم از سوی دیگر،در فهم مصراع اول و رابطهٔ آن با مصراع دوم کمی ابهام وجود دارد.

۲-۳. بدیع لفظی

«به ابزاری که جنبه لفظی دارند و موسیقی کلام را از نظر روابط آوائی به وجود می آورند و یا افزون میکنند، صنعت لفظی گویند» (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۲۵).

۲-۳-۱. تسجیع

«یکی از روشهایی است که با اعمال آن، در سطح دو یا چند کلمه یا در سطح دو یا چند جمله، موسیقی و هماهنگی بوجود می‌آید و یا موسیقی کلام افزونی می‌یابد. » (همان: ص ۳۵)

در بررسی بسامد بدیع لفظی غزلهای منتخب، بیشترین آمار به *سجع* و از بین انواع آن، به *سجع متوازی* (حدود ۵۵٪) اختصاص یافته است.

هرکه در عهد ازل مست شد از جام شراب　　سر به بالین ابد باز نهد مست و خراب
(۱/۱۵ ،۳۷۹-۳۷۸)

بسامد بالای سجع، نشانی از آهنگین بودن کلام است و شعرهای خوش آهنگ خواجو بگونه‌ای است که کمتر بیتی میبینی و میخوانی که در آن نشانی از سجع و جناس نیابی، و این بروشنی گویای ذوق و تکنیک توأمان شاعر در عرصهٔ شعر هنری است..

۲-۳-۲. تجنیس

روش تجنیس مبتنی بر نزدیکی هر چه بیشتر واکهاست؛ بطوری که کلمات همجنس به نظر آیند یا همجنس بودن آنها به ذهن متبادر شود (همان: ص ۵۳).

جناس در اشعار خواجو کمتر از سجع دیده میشود؛ چرا که در جناس تکلف بیش از سجع است وخواجو اهل تکلف نیست. *جناس زاید* (حدود ۴۰٪) بیشترین نمونه را دارد؛ بخصوص *جناس مذیل*.

www.SID.ir

Archive of SID

هر دم که بی تو بر لب سرچشمه بگذرم گـردد روان ز چشـمهٔ چشـمم هـزار جـوی
(۱۰/۲۷۲، ۷۶۳-۷۶۴)

چشم و چشمه جناس مذیل دارند و چشمه و سرچشمه جناس مزید.

۲-۳-۳ تکریر

در این غزلها تکرار بسیار به چشم میخورد. بخصوص تکرارهایی که بصـورت پراکنـده در بیت (حدود ۲۵٪) هستند و همچنین هم حرفیها (حدود ۳۹٪).

غمست حاصلم از عشق و من بدین شـادم که‌گرچه هست‌غمم‌نیست از غمم غم هیچ
(۴/۷۲، ۴۰۶)

تکرار حرفهای «غ» و«م» و آرایهٔ تصدیر از تکرار غم در اول بیت و آخـر آن پدیـد آمـده است. همچنین تکرار غم چهار بار در طول بیت.

البته این تکرار باعث ملالت نمیشود و بر آهنگ کلام می‌افزاید.در مصرع اول غم در تضاد با شادی قرار گرفته‌است و با وجود تکرار این کلمه،از کل بیت‌مفهوم شادی استنباط میشود.

۲-۴. بدیع معنوی

۲-۴-۱. روش تشبیه

تناسب معنایی یا موسیقی، بر اثر همانند کردن امر یا اموری به امر یـا امـوری دیگـر بـه وسیله این روش ایجاد میشود (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۱۰۳).

بیشترین آمار را در این قسمت *مبالغه و اغراق* (حـدود ۴۵٪) بخـود اختصـاص داده کـه لازمه هر شعری بخصوص شعر غنایی است؛ با این تفاوت که در شعر خواجو، ایـن آرایـه بـه طبیعی ترین شکل ممکن و در بافت کلام ساده و روان به کار رفته است .

چشم خونبارم اگر کوه گران پـیش آیـد بـر سـر آب روان افکنـدش همچـون کـاه
(۸/۳۱۱، ۳۲۴-۳۲۵)

که با مبالغه‌هایی لطیف، استقامت در عشق و دردی را که از هجران متحمل میشود، بـه قلم آورده است.

۲-۴-۲. روش تناسب

«در این روش بین کلمات، هارمونی یا تناسب معانی ایجاد میکننـد. » (نگـاهی تـازه بـه بدیع، شمیسا: ص ۱۱۵)

در این قسمت مراعات نظیر (حـدود ۵۵٪)، بیشـترین کـاربرد را داشـته، و ایـن دال بـر معناگرایی صریح شاعر به موازات گستردگی دامنهٔ آگاهیهای اوست.

وقت سحر که بلبله قهقهه بـر چمـن زنـد ساغرچشم من به خون رنگ دهد شراب را
(۳/۱۱، ۱۸۱)

www.SID.ir

Archive of SID

تناسب بلبله، ساغر، شراب.

ـ تلمیح به آیه

هر که نوشید می بیخودی از جام الست مست و مدهوش سر از خاک‌برآرد به نشور
(۸/۱۴۹، ۴۴۴-۴۴۵)

اشاره دارد به آیهٔ «اَلَستُ بِرَبِّکُم قالوا بَلی» (۱۷۲، [اعراف])

۲-۴-۳. روش ایهام

«در این روش کلمات موهم معانی مختلفند و ممکن است با آن معانی مختلف، با کلمات دیگر کلام، رابطه ایجاد کنند. » (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۱۳۱)

روش ایهام مهمترین مبحث بدیع است (همان). خواجو از ایهام تناسب (حدود ۴۹٪) بیشترین استفاده را کرده است. این کار علاوه بر بهره‌گیری هنری شاعر از تکنیک خاص ادبی، باعث میشود ابتدا در ذهن، معنی اولیه‌ای ایجاد شود؛ اما با توجه به کلمات دیگر بیت، معنی ثانویه‌ای نیز از سوی خواننده کشف میشود که این امر خواندن یک بیت را جذابتر میکند.

صبر ایّوب بباید که شبی دست دهد که رود چشمم از اندیشهٔ کرمان در خواب
(۷/۱۱، ۳۷۶-۳۷۷)

کرمان (شهر خواجو) با ایوب ایهام تناسبی میسازد و خواننده را به یاد داستان ایوب و کرمها می‌اندازد.

۲-۴-۴. روش ترتیب کلام

«در این روش ارجاع کلمات به یکدیگر، مبتنی بر نظم و ترتیب خاصی است. » (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۱۶۳)

از این نوع، موارد زیادی به چشم نمیخورد.

سیاقة الاعداد:

هر چند از چار آخشیج و پنج حس در ششدریم از چار حدّ نه فلک یک دم علم بیرون زنیم
(۲/۲۸۳، ۳۱۱-۳۱۲)

۲-۴-۵. روش تعلیل و توجیه

«در این روش برای مطالبی که اظهار میشود، توجیه و تعلیل ظریف و لطیفی ارائه میشود. » (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۱۷۶). خواجو از این روش، برای مجاب کردن مخاطب و جایگیر ساختن پیام در ذهن او بهره میبرد.

www.SID.ir

Archive of SID

حسن تعلیل:

از آن دوای دل خسته در جهان تنگست که نیستش به جز از پستهٔ تو مرهم هیچ
(۸/۷۲ ،۴۰۶)

۳. سطح فکری

• موضوع اصلی بیشتر غزلهای خواجو، وصف ویژگیهای معشوق، بیوفایی او، شراب، صبح و بی‌میلی به دنیاست.

او در این زمینه از فنون بیانی، بهرهٔ فراوان برده است. در توصیف معشوق بیشتر به توصیف خصوصیات ظاهری از قبیل زلف، کمر، لب و . . . میپردازد. معشوق اغلب بیوفاست و غرق ناز، و عاشق همه نیاز:

تو در تنعّم و نازی ز ما چه اندیشی که ناز ما به نیازست و نازش تو بناز
(۸/۱۶۶ ،۷۰۸-۷۰۹)

عاشق همواره خود را خاکسار و خاکِ راه معشوق میداند و از بیوفایی معشوق، در سوز و گداز بسر میبرد.

همچنین خواجو اشعاری عرفانی دارد؛ اما به همان نسبت دید بیرونی نیز بر شعرش حاکم است. در شعر او زیباییهای ظاهری و عواطف شاعرانه و عاشقانه موج میزند.

خواجو احساس تنهایی میکند؛ شاید به دلیل مسافرتهای طولانی (از شهری به شهری دیگر) است که در اشعار خود از بی‌همدمی و تنهایی شکوه میکند.

محرمی کو که بود هم‌سخنم جز خامه مونسی کو که شود هم‌نفسم الا آه
(۶/۳۱۱ ،۳۲۴-۳۲۵)

نتیجه :

در این مقاله، سبک شعر خواجوی کرمانی در پنجاه غزل او مورد بررسی قرار گرفته است. از آنچه گفته شد، بر می‌آید که خواجو بعنوان یک شاعر غزلسرای سبک عراقی، و البته در زمرهٔ شاعران گروه تلفیق، غزلهایی عاشقانه، عارفانه و زیبا دارد. در سطح زبانی بسامد بالای لغات عربی (تقریباً نزدیک به تعداد لغات فارسی) قابل توجه است. ساختار جملات روان هستند. تعداد افعال سوم شخص، بیشترین بسامد را دارد؛ زیرا شاعر همه جا از معشوق خود سخن میگوید. گویی شخصی روبروی شاعر نشسته است و خواجو برایش از معشوق تعریف میکند. اشعار از عیوب قافیه بدور نیست و به ردیف نیز توجه زیادی شده است. غزلها وزنهایی سنگین و القاءکنندهٔ غم دارند.

در بررسی سطح ادبی، که شامل علم معانی، بیان، بدیع لفظی و معنوی است، آنچه به دست آمد اینکه خواجو از تشبیه و استعاره کمک بسیار گرفته است. در جای جای غزلها از

www.SID.ir

Archive of SID

تمام عناصر خیال با مهارت و زیبایی بهرهٔ وافر برده است. غزلها آهنگین بوده و سجع و جناس بر آهنگ غزلها افزوده است. در بررسی سطح واژگانی و آوایی نیز تکرار برخی صامتها و مصوتها، به دلنشینی موسیقی شعر کمک کرده است.

در غزلهای خواجو همچون شاعران همعصرش، شور و سوزی عاشقانه حاکم است. در بیشتر موارد به توصیف معشوق و ویژگیهای او پرداخته است. به دنیا بی‌میل است و به زهد و نکونامی طعنه میزند؛ اما در عین حال به طبیعت، شراب، سماع و طرب میپردازد و خوش میدارد که شراب نسرین بوی را از دست لاله عذاران در صحن چمن نوش کند.

باید افزود که همین طعنه و ریشخند به زهد و توبه، استفاده از آیات و احادیث، نیاز عاشق و هجران او، تظاهر به بدنامی و اشعاری گاه مغایر با شرع، همهٔ عالم را در برابر مهر نگار هیچ دیدن، سخن از کفر زلف و . . . را میتوان نشانه‌هایی از عرفان در شعر خواجو دانست. خواجو از تنهایی و غم شکایت میکند و معتقد است شعر او حتی اگر به روانی و پاکی آب حیات باشد باز هم خریداری ندارد. غزلها در عین روانی و سادگی، زیبا و دلنشین بوده، کمتر مدحی هستند.

پانوشت:

تمامی اشعار از دیوان اشعار خواجوی کرمانی به تصحیح احمد سهیلی خوانساری انتخاب شده که در ارجاعات تنها به ذکر شمارهٔ صفحه، غزل و بیت اکتفا شده است.

فهرست منابع:

۱- قرآن کریم.

۲- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۶۶). دستور زبان فارسی. تهران: فاطمی.

۳- اکبری، منوچهر (۱۳۷۰). «تصویری از یک غزل خواجوی کرمانی در آینهٔ نقد ادبی و سبک شناسی». نخلبند شعرا (مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت خواجوی کرمانی)، جلد دوم. تدوین و ویرایش: احمد امیری خراسانی. کرمان: مرکز کرمان شناسی، چاپ اول.

۴- بهار،محمد تقی(۱۳۷۶).سبک شناسی؛ تاریخ تطور نثر فارسی. تهران:مجید،چاپ نهم.

۵- رضازادهٔ شفق، صادق (۱۳۵۲)، تاریخ ادبیات ایران. تهران: دانشگاه پهلوی، چاپ دوم.

۶- روحانی، مسعود و سید محسن مهدوی نیا چوبی (۱۳۸۹). «شیوه‌های نو سعدی در استفاده از تشبیه و استعاره در غزل».فصلنامهٔ تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، بهار ۱۳۹۰، صص ۲۲۳-۲۴۲.

www.SID.ir

Archive of SID

۷- سجادی،سید علی محمد (۱۳۸۰). مدخلی بر تحول موضوعی غزل در ادب فارسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
۸- سهیلی خوانساری،احمد(۱۳۳۶).دیوان اشعار خواجوی کرمانی.تهران:کتابفروشی بارانی و محمودی.
۹- شفیعی کدکنی،محمدرضا (۱۳۷۰).موسیقی شعر.تهران: آگاه، چاپ سوم.
۱۰- شمیسا، سیروس (۱۳۶۹). آشنایی با عروض و قافیه. تهران: فردوس، چاپ چهارم.
۱۱- ـــــــ (۱۳۷۳).سبک شناس(۲).تهران:دانشگاه پیام نور(آموزش از راه دور)،چاپ دوم.
۱۲- ـــــــ (۱۳۸۳) الف. بیان و معانی. تهران: فردوس، چاپ هشتم.
۱۳- ـــــــ ب. نگاهی تازه به بدیع. تهران: فردوس، چاپ چهاردهم (ویرایش دوم).
۱۴- ـــــــ (۱۳۸۸). کلیات سبک شناسی. تهران: میترا، چاپ سوم (ویرایش دوم).
۱۵- صفا، ذبیح الله (۱۳۵۲). تاریخ ادبیات در ایران (جلد سوم). تهران: دانشگاه تهران.
۱۶- ـــــــ (۱۳۷۷).مختصری در تاریخ تحوّل نظم و نثر پارسی.تهران:ققنوس،چاپ پانزدهم.
۱۷- عبادیان، محمود (۱۳۷۹). انواع ادبی (شمه یی از سیر گونه های ادب در تاریخ ادبیات فارسی). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، چاپ اول.
۱۸- غلامرضایی، محمد(۱۳۷۷).سبک شناسی شعر پارسی؛از رودکی تا شاملو. تهران:جامی،چاپ اول.
۱۹- مشکور، محمد جواد (۱۳۷۰). «معنی کلمه خواجو» . نخلبند شعرا (مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت خواجوی کرمانی)، جلد دوم. تدوین و ویرایش: احمد امیری خراسانی. کرمان: مرکز کرمان شناسی، چاپ اول.
۲۰- معین، محمد (۱۳۷۷)، فرهنگ شش جلدی فارسی. تهران: امیرکبیر.
۲۱- سایت http: //www. ibna. ir/vdcfjvd0. w6deeagiiw. html

www.SID.ir